

بررسی تعاملات فرهنگی دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در هندوستان

**نویسنده اصلی: دکتر محمد هادی جهان‌دیده**

عضو هیات علمی و استادیار

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، گروه زبان انگلیسی، شیراز، ایران

E-Mail: [goleroz1797@yahoo.com](mailto:goleroz1797@yahoo.com)

Mobile: 09176959533

و

**دکتر مبین الله رعنائی کرد شولی**

عضو هیات علمی دانشگاه شیراز

و

رباب آدم زاده

کارشناس ارشد زبان و ادبیات انگلیسی

دانش آموخته هندوستان

## چکیده

### بررسی تعاملات فرهنگی دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در هندوستان

مهاجرت بین المللی به عنوان پدیده ای نسبتاً جدید ، مرز میان فرهنگها را برداشته است و افراد مهاجر را به فرایند انطباق با جامعه مقصد تشویق می نماید. هدف کلی پژوهش، آسیب شناسی فرهنگی هندوستان بر دانشجویان ایرانی و جلوگیری از ایجاد بحران های هویتی و فرهنگی آنان است. این پژوهش با سنجش میزان علاقه و عدم علاقه سعی در آشکار نمودن دلایل دانشجویان ایرانی برای ادامه تحصیل در این کشور دارد. روش تحقیق این پژوهش از نوع تطبیقی در فرآیند بررسی تفاوتها و تشابهات فرهنگی ایران و هندوستان و روش پیمایشی در فرآیند بررسی تاثیرات آن بر دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در هندوستان است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان ایرانی مقیم هندوستان تشکیل می دهند که حد اقل یک سال از ورودشان به این کشور گذشته باشد. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن هستند که باوجود شرایط دشوار زندگی در هندوستان، بیشتر دانشجویان ایرانی ادامه تحصیل در این کشور را به انصراف از آن ترجیح می دهند.

کلید واژه ها : مهاجرت ، همزیستی مسالمت آمیز ، فرهنگ پذیری ، مطالعه فرهنگی

## بررسی تعاملات فرهنگی دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در هندوستان

### مقدمه:

از سالهای پایانی سده بیستم میلادی تا کنون، با رشد فزاینده مهاجرت ها در سر تا سر دنیا رو به رو بوده ایم. در این میان، آنچه بیش از هر چیز مهاجران را تهدید می کند خطر جذب در خرده فرهنگها می باشد. همانطور که علی اصغر قره باشی در واژگان و اصطلاحات فرهنگی می نویسد:

...، مهاجران و پناهندگان برای جبران "دگر بودی" خود، زودتر و بیش از دیگران جذب خرده فرهنگ ها می شوند. همواره احساس جدا ماندگی از هویت و اصلیت، انسانهایی را که به علل گوناگون تن به تبعید و پناهندگی و مهاجرت داده اند رها نمی کند، احساس می کنند که گذشته بی ندارند و ناگزیر می باید به فکر آینده باشند. این مهاجران و پناهندگان، یا جذب فرهنگ تبعیدیان و پناهندگان و مهاجرانی می شوند که پیش از آنها... در "پایتخت های فرهنگی" اقامت کرده اند و یا در هر گروهی که پذیرای آن ها باشد مستحیل می شوند و به پذیرش آداب و رسوم تن می دهند که آفریده دیگران است و ربطی به آنها ندارد. انسانی از این گونه ناگزیر است که به فرهنگهای حاشیه ای بپیوندد و برای همه، حتی خودش نقش بازی کند... در این میان آنچه با هزار درد و دریغ از میان می رود، هویت ملی است. (قره باقی، ۱۳۸۳: ۱۹۹).

به طور کلی، مهاجرت، چه تحصیلی و چه غیر از آن، نابرابری ها را در کشورهای مقصد افزایش می دهد و هیچکس نمی تواند پیش بینی کند که مهاجرانی که امروز وارد کشور می شوند شهروندان هم رتبه ای خواهند بود که توانایی وفاق با فرهنگ جامعه جدید را داشته باشند. لازم به ذکر است که تمدنهای هند و ایرانی بیش از آنکه متفاوت باشند دارای شباهتها و ارتباطات همگونی هستند. این شباهت ها موجب گردیده است تا بطور متوسط، شرقیانی که به هندوستان سفر می نمایند احساس راحتی و

سازگاری بیشتری نسبت به غربیها با فرهنگ و آداب و رسوم این کشور پهناور بنمایند. هماهنگونه که آقای شیو راج پانیل، وزیر بازرگانی هند اظهار داشته است:

هند و ایران همسایگان بسیار نزدیکی هستند و اکثر نظرات و فلسفه ای که در دو کشور موجود است برای کشور دیگر قابل فهم می باشد و این موضوع حتی در رنگ کشورهای دو کشور هم منعکس است. ما کشورهای جهان سوم و رو به توسعه می توانیم همدیگر را یاری دهیم چون تمام این کشورها دارای منابعی هستند که اگر برای آنها وسایلی تهیه شود، خواهند توانست از منابع خود استفاده کنند (سلیمی، ۱۳۷۲: ۱۹۳).

همزیستی در یک دهکده جهانی و بدور از تلاش برای به رخ کشیدن کاستی ها و مشکلات فرهنگی یکدیگر بسیار بهتر از اعمال تعصب و جبهه گیری در قبال تفاوتهاست. هر دانشجوی ایرانی در خلال سالهای تحصیل خود، کوله باری از تجربه و دستاوردهایی از فرهنگهای گوناگون هندوستان را به ارمغان می آورد. شرایط زیست محیطی و تحمل کاستی ها، روح وی را صیقل داده و او را آماده زندگی بهتر در زادگاه اصلی خود می نماید. سابقه مهاجرت ایرانیان به هندوستان به سال ۹۳۶ میلادی می رسد که عده ای از زرتشتیان بنا به پیشنهاد یکی از موبدان خود به ایالت گجرات سفر کردند. در کتاب کیسه سنجان چنین نقل شده است:

حاکم وقت (**Jadi Rana**) با ارسال یک کاسه پر از شیر به آنها فهماند که سرزمینش از جمعیت پراست. آنها کاسه را با افزودن یک قاشق شکر بدان برگرداندند. بدین مفهوم که زندگی را برای هندیان شیرین خواهند کرد. حاکم به آنها اجازه ورود داد. حفظ دین، حفظ کتاب و حفظ آتش مقدس برای آنها مجاز بود به شرطی که لباس و زبان گجراتی را بکار گیرند.

(خداوردی، هند: ویکی پدیا)

گفته فوق نشانگر آنست که شبه قاره ی هند بطور کلی سرزمینی مهاجر پذیر بوده است. علاوه بر این، مهاجرت در سده های پیشین، بر خلاف عصر حاضر، بیش از آنکه یک تصمیم فردی باشد، امری خانوادگی، عشیره ای و قبیله ای بوده است. هند،

علیرغم کاستی‌ها و مشکلات زیست محیطی خود، همواره سرزمینی پر از شگفتیها بوده که توجه مهاجرین را از اقصا نقاط گیتی به خود معطوف می‌داشته است. شهریار نقوی می‌نویسد: «شبه قاره، سرزمین عجائب و تنوع و تضادها است و آن را می‌توان سرزمین صد دستار، صد گفتار و صد رفتار نامید.» (نقوی، ۱۳۵۳: ۱۳۸)

هندوستان، سرزمینی است که در آن هرکس با هر دین و مذهب و نژاد و عقیده‌ای از حقوق مدنی خود بهره‌مند است و در عین حال ملزم به احترام به اعضای قبایل دیگر است. البته با آنکه شگفتیها، تعدد زبانها، گوناگونی ادیان و تنوع نژادها جذاب هستند، تفاوت‌های فرهنگی در اغلب موارد، دلزدگی و "دیگری‌پنداری" را در ذهن مهاجران پدید می‌آورد. بیشتر دانشجویان ایرانی که با فرهنگ کشور خود انسی چندین ساله دارند گام در کشوری بسیار متفاوت با باورها و ارزشهای پیشین خود می‌گذارند. هر چند در مواردی تعصبات ناشی از جهل پای در میان گذاشته و سد راه تفاهمات فرهنگی می‌شوند، اتحاد و یکپارچگی و همزیستی مسالمت‌آمیز سرانجام حفظ می‌گردد. در شهر پونا که بیشترین جمعیت ایرانی را داراست، بیش از صد مسجد، کلیسا، کنیسه و معبد در کنار یکدیگر و به شیوه‌های متفاوتی آفریننده هستی را ندا می‌دهند. در حقیقت، فرهنگها و کشورهای متفاوت را نباید به عنوان هویت‌های مجزا از یکدیگر قلمداد کرد. بلکه، آن مشخصه‌های فرهنگی را که بظاهر تمیز دهنده یک سرزمین از سرزمین دیگر هستند به مثابه قلمروهای متداخل و مؤلفه‌های در هم تنیده با فرهنگهای دیگر باید بحساب آورد. گویی، آگاهی از گذشته سرزمینها و حتی تمدن کشور خود، دلیل بر دستیابی به ابزار تفسیر برتری فرهنگها نمی‌باشد. در کتاب **فرهنگ و امپریالیسم**، ادوارد سعید چنین می‌نویسد:

هیچ یک [از فرهنگها] تنها و خالص نیست، همگی دو رگه، نامتجانس و به صورتی شگفت‌آور متفاوت و متکثرند... چنگ زدن به گذشته از جمله متداول‌ترین تدبیرها برای تفسیر زمان حال است. آنچه چنین دستاویزی را زنده جلوه‌گر می‌سازد، تنها عدم توافق بر اتفاقات گذشته و اینکه گذشته چیست، نیست، بلکه تردید در این نکته است که گذشته واقعاً گذشته است، یا همچنان - به رغم صورت‌های مختلف آن - ادامه دارد. (سعید، ۱۳۸۲: ۳۹-۳۵).

تأمل و تدبر در گفته فوق ، باعث می گردد تا شخص، تفاوت‌های فرهنگی کشور خود با دیگری را دلیل برتری و رجحان خود قلمداد ننماید. آنچه در ادامه به تفصیل در موردش بحث خواهیم نمود تفاوت‌های فرهنگی ایرانیان و هندیها و نحوه نگرش آنان به فرهنگهای یکدیگر و در نهایت تلاش بر دستیابی به موضعی صحیح در قبال دیگر فرهنگهاست .

### جامعه آماری

جامعه آماری در این پژوهش عبارت است از کلیه دانشجویان ایرانی مقاطع مختلف دانشگاهی هندوستان که بیش از یک سال از مهاجرت تحصیلی آنان می گذرد. با توجه به اینکه تعداد این افراد محدودتر است، به طور تصادفی، تعداد چهل نفر انتخاب شده و مورد آزمایش قرار گرفتند.

### ابزار تحقیق

ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه ای است که توسط محقق ساخته شده است.

### پیشینه تحقیق :

هر پدیده ای دارای سابقه یا پیشینه ای است. پدیده های اجتماعی وابسته به گذشته اند و در زنجیره ای از تداوم جای می گیرند، هویت آنها بدون در نظر گرفتن گذشته ای که در آن تکوین و تبلور یافته اند به دست نخواهد آمد، بنابراین هر تحقیق درست، متضمن شناخت تحقیقات پیشین است (ساروخانی، ۱۳۷۵ : ۱۴۶).

تحقیقات انجام شده در زمینه نقش فرهنگ کشور مقصد بر مهاجران در دو بخش ، یکی تحقیقات داخلی و دیگری تحقیقات خارجی آورده شده است.

### تحقیقات داخلی :

« بررسی میزان و عوامل گرایش به مهاجرات از کشور : مطالعه نظری همراه با تحقیقی از بین دانشجویان فنی دانشگاه

تهران " عنوان تحقیقی است که رجبی در سال ۱۳۷۹ انجام داده است . بر اساس یافته های پژوهش وی ، عوامل تشویق دانشگاهیان به مهاجرت را نارسایی های اقتصادی، عدم ثبات سیاسی و یافتن مدینه فاضله ای، هر چند خیالی، در آنسوی مرزها تشکیل می دهند. طبق نظر رجبی ، جذابیت مقصد و نارسایی های مبدأ در تقابل آشکار با یکدیگر قرار دارند و به نوبه خود از مهمترین دلایل مهاجرت افراد به طور کلی و دانشجویان به طور ضمنی قرار دارند.

صغری نیازی (۱۳۸۶)، در تحقیقی به نام " بررسی رابطه میان ویژگیهای فرهنگی ، اجتماعی با گرایش به مهاجرت به خارج از کشور در میان دانشجویان دختر مقاطع تحصیلات تکمیلی " به بررسی انگیزه های مهاجرت و عوامل مشوق آن پرداخته و در نهایت راهکارهایی را برای جلوگیری از فرار مغزها ارائه کرده است . وی چنین می نویسد:

از میان ویژگیهای فرهنگی و اجتماعی متعددی که در رابطه با گرایش به مهاجرت مورد بررسی قرار گرفتند تعلقات دینی و تعلقات غیر مادی (تعلق به همسر و وطن ) در این باره نقش بسیار مهمتری بر عهده دارند. به طوری که میزان گرایش افراد به مهاجرت با میزان بهره مندی از این تعلقات دارای رابطه معکوس می باشد. بنابراین ضعف هویت دینی و ملی گرایش به مهاجرت را تقویت می کند و بالعکس (نیازی، ۱۳۸۶ : ۱۳۷) .

از نظر صغری نیازی ، بر خلاف باور برخی از افراد ، هویت دینی و ملی نه تنها در تعارض با یکدیگر قرار ندارند بلکه از رابطه ای دو طرفه و تنگاتنگ نیز برخوردار دارند.

### تحقیقات خارجی

در پیمایشی به نام " فرار مغزها : تمایل به ماندن در کشور مقصد بعد از فارغ التحصیلی " باروچ و دیگران (۲۰۰۷) به مدل نظری جاذبه و دافعه پرداخته و آن را مبنای پژوهش خود برای بررسی تمایل ۹۴۹ نفر از دانشجویان مدیریت در ایالات متحده و انگلستان به ماندن در این کشورها قرار داده است . وی به چهارعامل مهم در این زمینه به شرح زیر اشاره می نماید:

۱- فرایند سازگاری دانشجویان در کشور مهاجر پذیر

۲- شدت تعلقات خانوادگی در کشور مهاجر پذیر

۳- درک از بازار کار در کشور مهاجر پذیر

۴- حمایت اجتماعی

طی بررسی های انجام شده ملاحظه می شود که دانشجویان مهاجر به محض رسیدن به مقصد دچار ناهماهنگی فرهنگی می شوند. از این رو برای توان بخشی فرهنگی به آنان باید تفاوتها را کنار گذاشته و بر وجوه مشترک فرهنگی تکیه نمود. بدین صورت دانشجویان مهاجر از آسیب پذیری کمتری برخوردار شده و شرایط اقامت دوران تحصیل را بهتر تحمل خواهند کرد.

## تفاوتها و تشابهات فرهنگی ایران و هندوستان

دو قوم ایرانی و هندی در اصل از نژاد «آریا» بوده و از آن انشعاب یافته اند. مینوسلیمی (۱۳۷۲) در کتاب روابط فرهنگی ایران و هند چنین اظهار می دارد:

نژاد مشترک، زمینه ساز بدوی تاریخ مشترک و در نهایت علایق مشترک بوده و خواهد بود. دو ملت ایران و هند پس از داشتن نژاد مشترک که داشتن باورهای مشترک را اجتناب ناپذیر می سازد در طول تاریخ با یکدیگر به صورتهای مختلف طی طریق کرده اند . گاهی بصورت دوستانی مشترک در کنار هم و گاهی بصورت دشمنانی در حال جنگ رو در روی یکدیگر قرار داشته اند . گاه ایران مأمَن هندی نشده و گاه (اغلب) هند پناهگاه ایرانیان مجبور به جلای وطن بوده است. (سلیمی ، ۱۳۷۲ : ۹).

جلای وطن با آنکه دردیست جانکاه که در باطن خود هدایایی را به ارمغان می آورد. دانشجوی تازه وارد سرگرم تضادها و فاصله های طبقاتی جامعه هند می گردد. در آیین هندویان ، شخص باید آنچه را که دارد و ندارد، تقدیری از جانب پروردگار بداند . از این روست که فقرا هیچ گله و شکایتی از زندگی فقیرانه خود ندارند. آنان به خوبی اشخاص ثروتمندی را که در یک وجبی آنها در بهترین کوبه ها ، خانه ها و موقعیتهای بسر می برند نظاره می کنند اما به آنان رشک نمی برند. گویی هر فردی آنچه را که هویت واقعی خویش می پندارد، از جان و دل پذیرفته است. سید احمد احمدی در " ارزیابی و شیوه های مقابله با بحران های هویت وجودی در دوره جوانی " به مساله هویت و انواع مختلفی که مارسیا (۱۹۶۶) برای آن به شرح زیر در نظر گرفته است می پردازد:

۱. **هویت پیشرفت:** در این صورت، فرد دید مثبتی از خویشتن دارد؛ رابطه صمیمانه با دیگران برقرار

می کند، از نظر اجتماعی سازگار است و تصمیم های مناسبی می گیرد.

۲. **هویت زود شکل گرفته:** در این وضعیت، فرد برای شناخت خویش تلاش می کند و هویتی را می

پذیرد که دیگران بر او تحمیل کرده اند ؛ او فاقد حس خود مختار است و رابطه ای خشک و نا معطوف با دیگران

دارد.



۳. هویت به تعویق افتاده: در این حالت، فرد با تعارض ها و کشمکش های درونی مواجه است، او تصمیم مهمی نمی گیرد و رابطه دوگانه و توأم با خشم و محبت با والدین خود داشته و در سازگاری با محیط مشکل دارد.

هویت آشفته: فرد در این صورت دیدگاهی منسجم و یکپارچه ندارد و عمدتاً بی هدف است، او وحدت شخصیت ندارد و سردرگم است. (فقیهی، ۱۳۸۵: ۱۷۳).

هندیان اصولاً به هنگام شکست، ناراحتی چندانی به دل راه نمی دهند و موضوعات و معضلات را سهل تر از بقیه‌ی مشرقیان می گیرند. به طور کلی، هندیان از تنش و اضطراب گریزان هستند و افراد عصبی را اشخاصی مطرود و غیر عادی قلمداد می کنند. در عصبیت و رشد آدمی، کارن هورنای، "خود ایده آلی" را سر منشاء رفتار عصبی افراد معرفی می کند:

احساس ارزش و اعتماد به نفس شخص عصبی بر مبنای " خود ایده آلی " قرار دارد... از دیگران توقع و انتظار پیدا می کند که با او طوری رفتار کنند که متناسب با تصویر ایده آلی اش باشد. خود را مستحق و سزاوار توجه و احترام و رعایت بیش از حد دیگران میپندارد. دیگران نباید با احساس ، طرز فکر و رفتاری که او دارد مخالفت نمایند. (مصفا، ۱۳۷۷، ۳۸).

از گفته های فوق چنین استنباط می گردد که توقعات بی مورد از محیط اجتماع، افراد بیگانه و فرهنگ های متفاوت ریشه در دیکتاتورها و باید های درونی فرد دارند. در تایید این مطلب، هورنای می نویسد:

یکی از تاثیرات دیکتاتورهای درونی و بایدها روی شخصیت اینست که یک حالت اجبار و فرمایشی به احساسات، تمایلات، افکار و اعتقادات شخص می دهد و مانع می شود که انسان از روی آزادی ، اختیار و بطیب خاطر احساسات، تمایلات، افکار و اعتقاداتی در خود پیروانند و داشته باشد... بطور صریح یا ضمنی از دیگران انتظار دارد که همه توقعات وی را برآورده کنند، ولی خودشان هیچ گونه انتظاری از وی نداشته باشند. حتی بی اعتنائی او را نسبت به احتیاجات

و خواسته هایشان اغماض کنند. دیگران را خیلی بیرحمانه انتقاد، ملامت، مسخره و تحقیر می کند، ولی هیچیک از این رفتار را در مورد خودش نمی تواند تحمل نماید. (همان: ۷۵-۱۸۱).

در کتاب درمان عقلانی- عاطفی- رفتاری: یک راهنمای درمانی برای مراجعین، تراورس و درایدن نشان میدهند که با تکیه بر اصل "مسئولیت پذیری عاطفی" فرد بیش از هر عامل دیگری مسوول احساسات و طرز رفتار خویش است. در کتاب فوق آمده است که:

شما به اطرافتان می نگرید و به دنبال کسی یا چیزی می گردید که او را ملامت کنید. به یک معنا شما راحت طلبید. اما این راهبرد در دراز مدت شما را زندانی مشکلات خودتان خواهد ساخت، درست مانند میله های آهنی زندان. آنچه نحوه ی احساس یا رفتار شما را تعیین می کند، تا حد زیادی طرز تفکر خود شماست، نه اتفاقی که برای شما روی می دهد یا اعمالی که دیگران انجام می دهند... این خبر، خبر فوق العاده خوبی است، چون اگر این بینش را بپذیرید، می توانید یاد بگیرید که به احساسات و رفتارتان کنترل داشته باشید. (تراورس و درایدن، ۱۳۸۵: ۴۲).

دانشجویان ایرانی در بدو ورود به هندوستان تحت تاثیر آرامش عمیق هندیان قرار می گیرند. به عنوان مثال، در شهرهای شلوغی همچون بمبئی، دهلی، حیدرآباد و پونا، دانشجویان با سلیلی از وسایل نقلیه روبرو می شوند که با وجود آنکه برای همدیگر بوق می زنند هیچکدام از رانندگانشان از کوره در نمی روند و سر یکدیگر داد و فریاد نمی کنند. با آنکه هندوستان با داشتن بیش از دو میلیارد نفر یکی از پرجمعیت ترین کشورهای جهان محسوب می شود، آمار تصادفات جاده ای در آن بسیار کمتر از سایر کشورهای آسیایی است. وسیله نقلیه رایج در آن، موتور سیکلت های متفاوت هستند که در نهایت دقت و درستی از آنان استفاده می شود.

استفاده از کلاههای ایمنی در میان موتور سواران امری معمول و اجتناب ناپذیر است. دانشجویان ایرانی دختر و پسری که حتی یکبار هم موتور سواری نکرده اند مجبور به یادگیری رانندگی و استفاده از موتور به عنوان وسیله نقلیه عمومی می شوند. بر خلاف ساعت رسمی رایج در ایران که از ابتدای صبح شروع می شود، در هندوستان شروع کارهای اداری از ۱۰:۳۰ صبح به بعد و بصورت

یکسره تا غروب به طول می انجامند. در هندوستان، خستگی از کار معنای چندانی ندارد. اکثر کارهای ساختمانی و خانه سازی را بانوان انجام می دهند. مثال دیگری در این رابطه، فعالیت خستگی ناپذیر تایپیستهاست که بعضی اوقات کتابهایی قطور و پر صفحه را در عرض تنها چند ساعت تایپ می نمایند. به بیان دیگر، مشاغل، تفکیک جنسیتی چندانی ندارند. مورد دیگری که شاهد بر این مدعاست، پمپ بنزینها هستند که در اکثر مواقع توسط زنها اداره می شوند. بر خلاف اکثر کشورهای شرقی، در هندوستان تمایل ویا نیاز چندانی به گرفتن مدرک تحصیلی عالی مشاهده نمی شود.

بیشتر دانشجویان هندی پس از خاتمه دوره کارشناسی و یا کارشناسی ارشد سعی در استخدام گردیدن در شرکتها و موسسات مختلف تجاری، اقتصادی می نمایند و رغبت چندانی به گذراندن دوره های بالاتری همچون دکترا و فوق دکترا نشان نمی دهند. اکثر مشاغل دولتی در هندوستان از دستمزدهای ناچیزی برخوردارند و افراد مرفه و موفق، بیشتر به مشاغل آزاد و تجاری روی می آورند. با آنکه در هندوستان وقت شناسی چندان رعایت نمی شود اما، در مشاغل تجاری و امور داد و ستد به شدت مورد توجه قرار می گیرد. این امر به نوبه خود باعث ایجاد ساختارهای مشترک اقتصادی برای تنظیم روابط اجتماعی در سطح جهانی می گردد. همانطور که مسعود محمدی الموتی (۱۳۸۲) در مقاله خود می گوید:

جهانی شدن باعث یکپارچه تر شدن بازارهای کالا، سرمایه، پول و در نهایت بازار کار، یعنی

روابط بین عرضه نیروی کار و تقاضای آن در سطح جهانی گردیده است ...، بنابراین «جهانی

شدن بازار کار» را می توان به معنای شکل گیری یک بازار کار جهانی دانست که در آن زمینه ها

و امکانات لازم برای حصول و برقراری ارتباطات آسان و ارزان میان عرضه و تقاضای نیروی کار

در سطح جهانی فراهم آمده است. (محمدی الموتی، ایران داک: ۳۰۷).

بدین صورت، جهانی شدن نقش اساسی و عمده ای را در گسترش مهاجرت نیروهای انسانی ماهر به خارج کشور ایفا می نماید. مثل معروف می گوید که «هندها همه جا هستند و هیچ جا نیستند». بدین معنا که در آمد پایین باعث مهاجرت و کوچ اجباری آنان به کشورهای خلیج فارس، اروپایی و آمریکایی گردیده است اما این کشورها هیچکدام از آنان را برای همیشه در تبعید خود نگه نمی دارند.

آنچه دانشجویان ایرانی را جلب می کند وفاداری زنان هندی به همسران خود و تبعیت بی چون و چرای آنها از همسرانشان است. با آنکه قانون هندوستان، زنان را به عنوان اعضای فعال جامعه پذیرفته است و تبعیض جنسی را در تمامی شئوب منع کرده است با این وجود بسیاری از محدودیت ها در سر راه انتخاب همسر برای پسران و دختران هندی وجود دارد. چنین امری نشانگر اینست

که ایجاد قوانین برای اداره جامعه کافی نیستند و آنچه از اهمیت برخوردار است، کشش قانون و پذیرش آن در جامعه است. به گفته جرج هومنز:

« هر سیستم اجتماعی در یک محیط سه وجهی زندگی می کند. یک محیط فیزیکی (زمین ، آب و هوا و طرح کلی و غیره ) ، یک محیط فرهنگی (هنجارها ، ارزشها و هدفهای اجتماع و یک محیط تکنولوژی (وضع دانش و استفاده عملی از ادوات صنعتی موجود ، برای اینکه سیستم بتواند خود را انجام دهد.)» ( شاین ، ۱۳۵۲: ۱۶۶)

آنچه در یک فرهنگ هنجار تلقی می گردد، در فرهنگی دیگر ممکن است ناهنجار و ضد ارزش باشد. اما، چیزی که مد نظریک دانشجوی مهاجر باید قرار گیرد آنست که زندگی موفق در خارج از کشور به معنای همزیستی مسالمت آمیز است نه اجبار نمودن دیگران به پذیرفتن عقاید و فرهنگ خود. در واقع دین اسلام در هند متأثر از فرهنگ ایرانی است، چرا که مهاجمین قبل از ورود به هند از سرچشمه تمدن و فرهنگ ایرانی سیراب می شدند. مینوسلیمی (۱۳۷۲) در کتاب خود، به دو دلیل بسیار مهم و عمده که باعث رواج دین اسلام در هندوستان شده است اشاره می نماید:

اول آنکه دین اسلام تنها عامل برتری انسانها را تقوی و اعتقاد و عمل بدان می داند و با هر گونه برده داری و ایجاد طبقه مخالف است، در حالی که یکی از مشکلات قبلی و فعلی هندوستان وجود سلسله مراتب طبقاتی است....چنین تبعیضاتی عامل عمده ای بود که افراد را جذب دین اسلام نمود و دیگر آنکه روحانیت و مقام آن منحصر به طبقه خاصی نیست ولی دآیین هندو روحانیت و کسب مقام آن تعلق به افراد طبقه برهمن دارد. (همان،

(۱۵۱)

به طور کلی، روند فرهنگ مشترک، تاثیرات متقابل خود را دارد. به عنوان مثال، دانشجوی ایرانی که سوئیتی رادر یک آپارتمان برهمنی اجاره می نماید به مرور زمان متمایل به ترک گوشتخواری شده و حتی نسبت به تخم مرغ هم رغبتی نشان نمی دهد. این، بدین علت است که طبقه برهمن در هندوستان خوردن گوشت حیوانات و حتی تخم مرغ احرام می شمردند. در روزهای اول، نخوردن گوشت، احساسی از سبکی و راحتی سیستم بدن رادر دانشجو ایجاد می نماید.

اما رفته رفته که بدن بنیه خود را از دست می دهد ، دانشجو مجبور به خرید و خوردن فرآورده های گوشتی می شود. اما ناراحتی و جدل میان وی و همسایگان او از زمانی بوجود می آید که در کیسه زباله های در خانه اش استخوانهای گوشت و پوست تخم مرغهای مصرف شده یافت شوند. آنگاه است که همسایه های وی لب به اعتراض می گشایند که چنانچه او می خواهد به خوردن گوشت ادامه دهد باید نقل مکان کند. در اینجا چیزی که قابل توجه است این است که اگر یک دانشجوی ایرانی بخواهد بر اساس تعالیم اسلام ، آنان را امر به معروف و نهی از منکر نماید و برای آنها از فواید بهره گیری از گوشت صحبت نماید، تنها خود را خسته نموده است . اینجاست که یکبار دیگر وفاق و سازگاری رخ می نماید و برای جلوگیری از بحث و مشاجره باید پذیرفتنی های فرهنگ غالب را پذیرفت و یا حداقل محترم شمرد.

هر چند که هندوستان به علت وسعت بیش از حد خود فرهنگها و آداب و رسوم متفاوتی را در خود جای داده است، در موارد بسیاری همچون **علاقه به هنر ، پایبندی به دین و تنوع غذایی**، با ایرانیان وجوه مشترک فرهنگی دارد که در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد .

### علاقه به هنر

ایرانیان به مانند هندیها، قومی دلباخته هنر به مفهوم کلی و موسیقی در معنای خاص آن بوده اند و هستند . در زمان حکومت مسلمانان در هند، ایران سهم عمده ای در توسعه فرهنگ و تمدن هند داشته است و ادبای ایرانی، هند را وطن ثانی خود می پنداشته اند. همانطور که محمد تقی بهار (۱۳۵۵) در کتاب **سبک شناسی خود می گوید :**

**در دوره صفویه جمعی بسیار از ارباب ذوق و کمال و شوق و حال ، به دو سبب ، یکی**

**سختگیری های متعصبانه دولت و دیگری طمع و انتجاع خود شعرا، مهاجرت را بر ماندن در**

**ایران رجحان نهادند و بیشتر آنها به هندوستان رخت سفر بر کشیدند (بهار ، ۱۳۵۵: ۲۵۶).**

البته ، سبک موسیقی در هندوستان تا حدودی مشابه ایران است . دانشجوی ایرانی در روزهای اول ورودش به محل تحصیل خود متوجه انس و الفت شبانه روزی هندیها با موسیقی می گردد. در بامدادان نوای موسیقی آنها را به کار روزانه دعوت می کند و در بعد از ظهر آنها را به خواب نیمروزی می کشاند. در عصر هنگام دوباره آنها را از خواب نیمروزی بلند می کند و در شب هنگام، مقدمه رویاهای آنها می شود. در مراسم های شادی آنها طبل و سنج بیش از دیگر ادوات موسیقی مورد استفاده قرار می گیرند . اما

در موسیقی سنتی، آلاتی شبیه به تار و ستار ایرانی مورد استفاده قرار می گیرند. آنچه عجیب است اینست که هندیها حتی در مراسم تشییع پیکر از دست رفتگانشان هم مویه نمی کنند. مسلمانان شیعه هندوستان، حتی ماه محرم را با موسیقی و آواز، عزاداری می کنند.

### پایبندی به دین

هندوستان را به حق باید سرزمین ۷۲ مذهب، ۷۲ ملت و ۷۲ آئین نامید. مردمان این کشور خود را ساکنین سرزمینی سکولار می دانند که در آن دین، امری شخصی و فردی قلمداد می شود. در باور هندیها، دین، تنها وسیله ای برای ایجاد ارتباط با خدای واحد و یا خدایان و الهه های متعدد است. هندویان برای هر چیز یک الهه و رب النوع قایل هستند. خدای پول، در نظر آنها کریشنا می باشد. و برای مفاهیم انتزاعی دیگر هم خدایان دیگری مورد نظر دارند. هنگامیکه وسیله نقلیه ای را مالک می شوند بر روی آن تاجهایی از گل می آویزند و هنگامی که وارد مغازه خود می شوند با گرفتن عودهای مختلفی به دست و آتش زدن آنها به درگاه الهه های خود دعا می کنند. هنگامیکه دانشجوی ایرانی از آنان در مورد علت اعتقادشان به خدایان سوال می کند پاسخی که دریافت می کند اینست که در آیین هندو پروردگار یکی است اما به صورتهای مختلف بر بشر رخ نموده است.

در اینجا هر چند که این باور کاملاً در عصر مدرن غیر منطقی بنظر می رسد و همچنین با تعالیم دین مبین اسلام در تضاد قرار دارد، آنچه که مهم است پرهیز از جدل و سعی در تبیین مبانی اسلام و اصول آنها برای هندوهاست. هندیها اصولاً دین را به ارث می برند تا آنکه به رنج خویش بدست آورده باشند. در این کشور، هر شخص با هر مذهبی نسبت به عقیده خود متعصب است و ترجیح می دهد که کاری نکند که از قبیله ش او را طرد نمایند.

هنگامی که با هندیان از دین و مذهبشان صحبت می شود، بی درنگ شائبه ای از ناراحتی بر رخسار آنها می نشیند که گویی فرد مخاطب را به سکوت و پرهیز از مداخله و مجادله دعوت می نماید. آنها بیش از ایرانیان به تقدیر و قسمت معتقدند تا آنجا که این اعتقاد آنها را به باورهای خرافی و وضعیت ستارگان در تعیین سرنوشت و بعضاً انتخاب همسر بر مبنای آنها می کشاند. در اینجا آنچه مهم است تفاوتهای فرهنگی هستند که در عین تفاوت، جالب و شگفت انگیز هم هستند و باید به آنها احترام گذاشته شود.

### تنوع غذایی

در هندوستان بیش از صد نوع ادویه خاص وجود دارد که به آنها ماسالا گفته می شود. هر خوراکی ماسالای خاص خود را دارد. همانطور که در ایران خورشتهای متفاوتی وجود دارد در آنجا هم خوراکیهای گیاهی متفاوتی وجود دارند. غیر از مسلمانان، مسیحیان و زرتشتیان و بعضی از شعبه های آیین هندو، غذاهای گوشتی مصرف خاصی در میان دیگر مذاهب ندارند. قیمت مرغ

و گوشت در هندوستان بسیار نازل تراز کشورهای مسلمان است. اما آنچه که هست، طعم گوشت مرغ و گوسفند در هندوستان است که به آن صورت جالب نیست. احتمالاً دلیل آن شرایط بد تغذیه حیوانات و همچنین هوای آلوده و محیط ناسالم است. آنچه که دانشجوی مهاجر را به خود جلب می کند، اینست که در حاشیه کشتارگاه ها و مغازه های قصابی و فروشگاههای مرغ، همان افرای به خرید و فروش اجناس دیگر مشغول هستند که در آیین آنها کشتن حیوانات به قصد رفع گرسنگی از گناهان بزرگ محسوب می شود و نوعی خود خواهی به شمار می آید. در بازار ماهی فروشان، هر یک از فروشندگان به تناسب اعتقادات خود، عکسهایی از پیامبران و قدیسان مذهبشان را به دیوار آویخته اند و در کنار یکدیگر مشغول به کسب معاش هستند.

### نتیجه گیری :

در مطالعه و بررسی فرهنگی دو کشور هند و ایران، اندیشه تفاهم و تلاش در راه ایجاد صلح و تعامل از اهمیت بیشتری نسبت به تعصبات و کوته فکریها برخوردار است. با بررسی و نظر سنجی از تعداد مشخصی از دانشجویان ایرانی در هندوستان مشخص گردید که بیشتر آنان تفاوتهای فرهنگی خود با کشور میزبان را امری اجتناب ناپذیر و در عین حال محترم می شمارند. هر چند که ممکن است مشاهده برخی از باورها و ویژگیهای فرهنگی هندوستان برای یک دانشجوی ایرانی قابل قبول نباشد، اما احترام به عقاید متضاد و متفاوت، کلید رسیدن به سر منزل مقصود است.

### منابع فارسی:

- ۱- بهار، محمد تقی (۱۳۵۵) سبک شناسی، تهران: انتشارات پرستو.
- ۲- تراورس، جان، درآیدن، ویندی (۱۳۸۵) درمان عقلانی- عاطفی- رفتاری: یک راهنمای درمانی برای مراجعین، شیراز: انتشارات نوید.
- ۳- رجبی، مسعود (۱۳۷۹) « بررسی میزان وعوامل گرایش به مهاجرت از کشور: مطالعه نظری همراه با تحقیقی از بین دانشجویان فنی دانشگاه تهران» پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- ۴- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵) مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش.
- ۵- سعید، ادوارد (۱۳۸۲) فرهنگ و امپریالیسم، تهران: انتشارات قوس.
- ۶- سلیمی، مینو (۱۳۷۲) روابط فرهنگی ایران و هند، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

۷- شاین ، ادگار ، (۱۳۵۲) روانشناسی سازمانی، ترجمه دکتر ابوالفضل صادقیپور و حبیب الله بهزادی، دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی، تهران: انتشارات زر .

۸- شهریار نقوی ، سید حیدر (۱۳۵۳) « تجلیات زبان و فرهنگ ایران در هند و پاکستان» هنر و مردم ، ۱۳۸ ، ص ۷۱.

۹- فقیهی، علی نقی(1385) جوان و آرامش روان: مشکلات، مشاوره و درمانگری با نگرش اسلامی، قم : پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۰- قره باقی، علی اصغر(۱۳۸۳) واژگان و اصطلاحات فرهنگی، تهران: انتشارات سوره مهر.

۱۱- نیازی، صغری(۱۳۸۶) « بررسی رابطه میان ویژگیهای فرهنگی ، اجتماعی با گرایش به مهاجرت به خارج از کشور در میان دانشجویان دختر مقطع تحصیلات تکمیلی» پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی ، دانشکده علوم اجتماعی ، دانشگاه شیراز

۱۲- هورنای، کارن(۱۳۷۷) عصبیت و رشد آدمی، تهران: انتشارات بهجت.

#### منابع لاتین:

Baruch,U.Budhwar,p.khatri,N.(2007) ."Brain Drain :Inclination to Stay Abroad After Studies."  
*Journal of World Business* , 42,99-112.

#### منابع اینترنتی:

۱- خداویردی ، پور امیر ، هند

[Http:// en. www. wikipedia. Org/ wiki % D8,...](http://en.wikipedia.org/wiki/%D8)

۲- محمدی الموتی ، مسعود (1382) "جها نی شدن و مهاجرت نیروی انسانی متخصص : بررسی تجربه ایران" [Http:// dbase.irandoc .ac.ir /05011/05011989.h](http://dbase.irandoc.ac.ir/05011/05011989.h)



